

از پیشگامان پیشرفت عربی: عصمت سیف الدوله

احمد ثابت و آخرون، من حمله مشاعل التقدم العربي.

عصمت سیف الدوله، بیروت: مرکز دراسات

الوحدة العربية، ۲۰۰۱، ۴۲۰ صفحه.

عبدالرضا همدانی

پژوهشگر مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات

استراتژیک خاورمیانه

همامیه در استان اسیوط مصر (۱۹۲۳)، دارای

دکترای حقوق از دانشگاه پاریس (۱۹۵۷)

و نویسنده کتابهای معتبری چون بنیانهای

سوسیالیسم عربی (۱۹۶۵)، جنبش دانشجویی

(۱۹۷۵)، احزاب و مشکل دموکراسی در

مصر (۱۹۷۶)، استبداد دموکراسی (۱۹۸۰) و

دموکراسی در اندیشه‌های عبدالناصر (۱۹۹۰)

است. وی در سال ۱۹۹۶ در شهر قاهره دار

فانی را وداع گفت.

این کتاب که شامل هشت فصل

است، در واقع حاوی سخنرانی گروهی از

شرکت کنندگان در همایش بزرگداشت

عصمت سیف الدوله می‌باشد و طی آن، پاره‌ای

از مهم‌ترین نقطه نظرات وی مورد بحث قرار

گرفته است.

در نخستین فصل، سیف الدین

عبدالفتاح، استاد دانشکده اقتصاد و علوم

سیاسی دانشگاه قاهره، رابطه میان عربیت

و اسلام از دیدگاه سیف الدوله را مطرح

نموده است. وی معتقد است که سیف الدوله

برای اثبات اینکه عربیت و اسلام با یکدیگر

انطباق کامل دارند و اسلام دامنه‌ای وسیع‌تر

از عربیت را شامل می‌گردد، ابتدا به مبانی

این کتاب شامل مقالات و نظرات

شرکت کنندگان در همایش بزرگداشت

عصمت سیف الدوله، یکی از اندیشمندان

معاصر عرب، است که توسط مرکز مطالعات

وحدت عربی و مرکز عربی پژوهشهای توسعه

و آینده برگزار گردید. هدف از برگزاری این

همایش، آشنایی هر چه بیشتر با نظریات

سیف الدوله در زمینه‌هایی همچون انقلاب

عربی، شخصیت ملی اعراب و ارتباط آن با

اسلام، شناخت پدیده صهیونیسم و خطرات

آن برای اعراب و پدیده ناصر و ناصری‌ها بوده

است.

عصمت سیف الدوله متولد روستای

فکری مدعیان جدایی عربیت و اسلام اشاره می‌کند و مفاهیمی همچون هویت عربی، پیشینه تاریخی عربی و ملیت عربی را مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس به تبیین ماهیت ارتباط عربیت با اسلام می‌پردازد. سیف الدوله اعراب را جزئی از امت اسلام معرفی می‌کند و ویژگیهای اعراب را به عنوان متحدترین گروه در میان مسلمانان از نظر یگانگی زبان، تاریخ، آداب و رسوم و یک پارچگی سرزمین آشکار می‌سازد.

به نظر عبدالفتاح، سیف الدوله با طرح این موضوع که اعراب جزئی از امت اسلامی هستند و عربیت با اسلام در تعارض نیست، موفق شد با اتخاذ این شیوه دیالکتیکی، ملی‌گرایانی را که خواهان به حاشیه راندن دین اسلام بودند، به عقب براند. به باور عبدالفتاح، سیف الدوله معتقد بود که دولت یک ضرورت اجتماعی است و نه یک ضرورت اسلامی، اما نباید به خاطر اجرای این ضرورت اجتماعی، دین را از میان برداشت.

در فصل دوم کتاب، دیدگاه سیف الدوله در مورد امت، ملی‌گرایی و دولت ملی توسط حسین معلوم، نویسنده و محقق

مصری، مورد مطالعه قرار گرفته است. وی به تعریف سیف الدوله از «امت» اشاره می‌کند و می‌گوید: «امت یعنی گروهی از مردم که دارای زبان، سرزمین، تاریخ و سرنوشت مشترکی باشند.» حسین معلوم چنین تعریفی از امت را، به لحاظ دینی، یک تعریف کامل نمی‌بیند. از دیدگاه وی اگر به این تعریف از نقطه نظر قومی بنگریم؛ مثلاً امت عرب، می‌توان با اندکی اغماض این تعریف را پذیرفت، اما اگر دایره شمولیت امت را وسیع‌تر کنیم و از منظری دینی به آن بنگریم، دیگر نمی‌توان زبان مشترک و یا سرزمین مشترک را برای یک امت دینی نظیر امت اسلام در نظر آورد. به نظر این محقق، سیف الدوله توانسته است میان امت و ملی‌گرایی تفاوت مطلوبی قائل شود؛ زیرا رابطه هر فرد با امت را یک علاقه و ارتباط بیرونی و رابطه هر فرد با ملتش را یک علاقه و ارتباط درونی و عاطفی دانسته و بدین ترتیب موفق شده است که ملی‌گرایی را به عنوان یک جنبه مثبت از ارتباط افراد با محیط پیرامونیشان معرفی کند. سیف الدوله بر این نکته پافشاری می‌کند که وابستگی به ملیت با وابستگی به لغتی مثل امت اسلام متناقض

و متعارض نیست؛ زیرا هر دو نوع وابستگی و تعلق ملی و دینی در عین حال که پابرجا هستند، محتوای مختلفی نیز دارند، درست مثل ملل اروپا که دارای فرهنگها و زبانهای مختلفی هستند، اما به لحاظ عقیدتی همگی جزئی از امت مسیح محسوب می‌شوند.

از دیگر مواردی که در این فصل به آن اشاره شده، اتحاد کشورهای عربی از دیدگاه سیف‌الدوله است. سیف‌الدوله حضور طولانی استعمارگران در منطقه را مهم‌ترین عامل تفرقه و تجزیه سرزمینهای عربی و تأسیس دولتهای مختلف عربی می‌داند، هرچند که از دید وی وجوه اشتراک میان این سرزمینها بسیار متعدد و قابل توجه است.

«دیدگاه ملی‌گرایانه سیف‌الدوله درباره مسئله فلسطین» عنوان سومین فصل از کتاب است که توسط احمد ثابت، استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. سیف‌الدوله قبل از آنکه بر اصالت عربی سرزمین فلسطین تأکید نماید، اسطوره‌ها و خرافه‌های صهیونیست‌ها در مورد حق تاریخی سکونتشان در فلسطین را ابطال می‌نماید و با ارایه مدرک

مستدل، وقایع تاریخی مورد استناد گروههای صهیونیستی را مردود می‌انگارد. وی سپس به ساختار اجتماعی فلسطین در دوران خلافت عثمانی اشاره می‌کند و ضمن تأکید بر بافت قبیله‌ای و طایفه‌ای فلسطین، همین مسئله را نقطه ضعف اعراب ساکن در فلسطین معرفی می‌کند. به نظر سیف‌الدوله از آنجا که هیچ‌گونه حاکمیت مشخص بر فلسطین وجود نداشت و قبیله‌های عرب ساکن در فلسطین هیچ‌گاه با یکدیگر متحد نشدند، همین امر کافی بود تا صهیونیست‌ها برای استیلای خود بر این سرزمین از شعار «ملتی بدون سرزمین به سوی سرزمینی بدون ملت» استفاده کنند. احمد ثابت در قسمت دیگری از این فصل، به منازعه اعراب و اسرائیل از دیدگاه سیف‌الدوله اشاره می‌کند و بر این نکته پافشاری می‌نماید که سیف‌الدوله بیش از آنکه معتقد به رویارویی اسلام و یهودیت باشد، به منازعه میان اعراب و مهاجران یهودی اعتقاد داشت. به باور سیف‌الدوله این درست نیست که دو مذهب الهی در این سرزمین مقابل یکدیگر قرار گیرند؛ چرا که در فلسطین مسلمانان، مسیحیان و یهودیان دارای اماکن

مذهبی ویژه خود هستند و از حق سکونت در این سرزمین برخوردارند. بنابراین، مسئله حایز اهمیت کنونی، تقابل و رویارویی اعرابی است که در این سرزمین صاحب حق اصلی هستند و مهاجران یهودی که به زور به قصد تسلط بر این سرزمین عربی وارد فلسطین شده‌اند.

در چهارمین فصل کتاب، عونى فرخ، از محققان امارات متحده عربی، موضوع «دموکراسی در ادبیات عصمت سیف‌الدوله» را مورد بررسی قرار داده است. وی بر این باور است که سیف‌الدوله تلاش داشته است تا هم در عرصه اندیشه و هم به طور عملی به تبیین و تعریف جایگاه دموکراسی در نظام‌های سیاسی بپردازد. عونى فرخ می‌نویسد: «... از دیدگاه سیف‌الدوله مهم‌ترین علت شکست تجربه‌های دموکراسی عربی در طول یک قرن گذشته، به‌رغم تعدد و تفاوت این تجربه‌ها و اختلاف در گرایشها و نگرشهای ایدئولوژیک در نزد فعالان این عرصه، چیزی نبوده است جز عقب ماندگی دموکراتیک در میان نخبگان...» (ص ۱۸۰). سیف‌الدوله معتقد است اغلب اندیشمندان عرب سخن از ملی‌گرایی به میان

می‌آورند، ولی خود به شدت فردگرا هستند و به کار جمعی و گروهی اعتقادی ندارند. در نتیجه دولتهایی که تشکیل شده‌اند و قوانینی که شکل گرفته‌اند با روح دموکراسی و اصول اساسی همکاری دسته‌جمعی در جامعه فاصله دارند و از این رو در نزد ملل عرب از مشروعیت برخوردار نیستند.

نویسنده دیدگاه سیف‌الدوله نسبت به مسئله دموکراسی در مصر از دهه سوم قرن بیستم میلادی تا پایان حکومت انور سادات را مورد تحلیل قرار داده و آن را به سه مقطع زمانی تقسیم نموده است. در مقطع اول که شامل سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲ می‌گردد، سیف‌الدوله بیشتر به روند تشکیل احزاب سیاسی و وضعیت نظام حاکم بر مصر پرداخته است. دومین مقطع، شامل دوره کودتای افسران آزاد و روی کار آمدن جمال عبدالناصر و عملکرد وی به عنوان رئیس جمهور در راه استقرار دموکراسی در مصر است. مقطع سوم، از اضمحلال اتحاد مصر و سوریه آغاز می‌شود و با مرگ عبدالناصر خاتمه می‌یابد و مقطع چهارم، نیز ریاست جمهوری انور سادات را در بر می‌گیرد. با توجه به این

تقسیم‌بندی سیف‌الدوله نتیجه می‌گیرد که دموکراسی بیش از آنکه به عنوان اصلی مهم در نظام سیاسی مصر درآید، تبدیل به اهرمی در دست قدرتمندان و حاکمان شد و هر حاکمی به فراخور وضعیت خویش از آن استفاده نمود.

پنجمین فصل از کتاب به رابطه عصمت سیف‌الدوله با جمال عبدالناصر و ناصر یسم اشاره دارد. در این فصل که توسط صفوت حاتم، پژوهشگر مصری، به رشته تحریر درآمده است، سیف‌الدوله به عنوان یک «ناصری» پر جنب و جوش از لحاظ فکری و ایدئولوژیک معرفی شده است. صفوت حاتم به نقل گفته‌های سیف‌الدوله می‌پردازد که در آن سیف‌الدوله رسماً اعلام کرده «ناصر یسم» همان «تئوری انقلاب عربی» است، اما ناصر یسم اصول و بنیانهای ویژه خود را دارد که عدول از آنها به مثابه انحراف از اندیشه و آرمان ناصر یسم است (ص ۲۳۷). با این حال سیف‌الدوله مقلد عبدالناصر نبود و حتی در بسیاری از موارد از جمال عبدالناصر آشکارا انتقاد می‌کرد. البته نباید از یاد برد که این انتقادات در جهت نابود کردن اندیشه ناصری

نبود، بلکه سیف‌الدوله در نظر داشت با انتقاد صحیح و علمی راه را برای تکامل اندیشه انقلابی ناصر بگشاید.

به نوشته حاتم، سیف‌الدوله دو انتقاد اساسی به جمال عبدالناصر پس از شکست اعراب از اسراییل در سال ۱۹۶۷ وارد آورد:

۱. عدم تشکیل حزبی مردمی توسط عبدالناصر؛ و

۲. فاصله افتادن میان ناصر و مردم از طریق سازمان اطلاعات.

سیف‌الدوله معتقد بود که اگر در زمان حیات جمال عبدالناصر حزبی مردمی با عضوگیری وسیع تشکیل می‌شد، مردم بیش از پیش خود را به ناصر نزدیک می‌دیدند و همین تجربه دموکراتیک و حزبی در تداوم خط فکری صحیح وی در جامعه مصر مؤثر واقع می‌شد. از سوی دیگر، سازمان اطلاعات مصر که توسط ناصر تشکیل شد، آنچنان قدرتی یافت که حتی از ارتباط مستقیم رییس جمهور با مردم ممانعت به عمل آورد، به طوری که بسیاری از مصریان معتقدند، سوءمدیریت در این سازمان منجر به شکست سال ۱۹۶۷ شد. حتی جمال عبدالناصر نیز از این وضعیت

اظهار عدم رضایت کرده و به صراحت بیان نمود: «سازمان اطلاعات دولتی در درون دولت تشکیل داده است.» در پایان این مقاله صفوت حاتم از سیف‌الدوله نیز انتقاد می‌کند و عنوان می‌نماید که سیف‌الدوله هرگز نکوشید ایده‌ها و آرای درست خود را برای استمرار مسیر صحیح ناصریسم در عمل اجرا نماید.

ششمین فصل کتاب شامل دو مقاله است: «نظریه انقلاب عربی» و «قرائت فلسفی دیالکتیک انسان از نگاه عصمت سیف‌الدوله». در نخستین مقاله، حسن حنفی، استاد گروه فلسفه در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره، نظریه انقلاب عربی را در کتابهای مختلف سیف‌الدوله مورد کاوش قرار می‌دهد. به نظر نویسنده مقاله، اینکه یک اندیشمند مصری به دنبال ثوریه‌های انقلاب باشد اندکی عجیب به نظر می‌رسد؛ زیرا مصر در طول تاریخ با جنبشهای اصلاح طلبانه متعددی مواجه شده است و معمولاً انقلابهای وسیع مردمی در آن سرزمین به وقوع نپیوسته است؛ به عنوان مثال، جمال الدین افغانی [اسدآبادی] و محمد عبده از طریق یک جنبش اصلاح طلبانه دینی به دنبال آزادی و استقلال سیاسی مصر بوده‌اند

و حتی تلاش کرده‌اند که در دیگر سرزمینهای عربی نیز اصلاحات را ترویج کنند.

از نکات قابل توجه این مقاله، بررسی سیر اندیشه‌های سیف‌الدوله در مورد انقلاب است. حسن حنفی می‌نویسد: سیف‌الدوله برای شناساندن ثوریه‌های انقلاب از اندیشه‌های معاصر غرب استفاده می‌کند و پس از بررسی نظریات مارکس، هگل و انگلس در زمینه انقلاب به دیدگاه دین اسلام در رابطه با انقلاب اشاره می‌کند، به نظر سیف‌الدوله اسلام دارای سه قاعده اصلی است: ۱. حتمی بودن قوانین طبیعت؛ ۲. آزادی انسان در تغییر وضع موجود؛ و ۳. مسئول بودن انسان در تغییر این وضعیت. در نتیجه جنبشهای اصلاح طلبانه و آزادی خواهانه اگر به سه اصل فوق توجه نمایند، می‌توانند به پیشرفت انسان و تکامل اجتماع کمک نمایند.

«قرائت فلسفی دیالکتیک انسان از نگاه عصمت سیف‌الدوله» عنوان مقاله دیگر این فصل است که توسط احمد عبدالحلیم عطیه به رشته تحریر درآمده است. به اعتقاد این نویسنده، سیف‌الدوله نخستین اندیشمند عرب معاصر بود که سوسیالیسم عربی را

اشاعه داد و جزئیات آن را در کتاب اصول سوسیالیسم عربی مطرح نمود. سیفالدوله برای آزادی انسان جایگاهی والا قائل است و دیالکتیک انسان را تعبیر فلسفی مسئله آزادی قلمداد کرده است. از این رو، سیفالدوله مهم‌ترین شرط بقای دولتها را آزادی انسانها دانسته است.

هفتمین فصل کتاب میزگردی است با عنوان «راهبرد جنبش ملی». در این فصل سه مقاله ارائه شده است. در نخستین مقاله، حبیب عیسی، وکیل دادگستری از کشور سوریه، «راهبرد جنبش ملی عربی» را به رشته تحریر درآورده است. وی در این مقاله به مسئله مشروعیت حکومت‌های عربی اشاره می‌کند و معتقد است که دولتهای ملی باید مشارکتهای مردمی را پاس بدارند و از اعمال هرگونه فشار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به مردم بپرهیزند. وی تأکید می‌کند که در دولتهای عربی ملی، هیچ گروهی حق احتکار دولت را ندارد. حتی اگر گروهی، کشور را متحد و آزاد نموده باشد، باز هم از چنین حقی برخوردار نیست؛ زیرا برای اداره دولت به قابلیت‌های متعددی نیاز هست و هیچ گروهی از

توانایی و شایستگی کاملی برخوردار نیست تا خود به تنهایی زمام امور را به دست گیرد. در دومین مقاله، مجدی حامد به وضعیت منحصر به فرد اعراب برای تحول و پیشرفت در جهان امروز اشاره نموده است. به باور حماد با توجه به اینکه:

۱. گروه‌های حاکم انتقادپذیر نیستند؛
۲. روابط سیاسی بین گروه حاکم و مردم روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود؛
۳. طبقات اجتماعی به انفعال کشیده شده‌اند؛ و
۴. امنیت ملی عربی در معرض تهدید قرار گرفته است، اگر اندیشمندان و سیاستمداران عرب به دنبال راه چاره‌ای برای تغییر وضع موجود نباشند، آینده اعراب بسیار ناگوار خواهد بود.

در سومین مقاله این فصل محمد عبدالشفیع عیسی به مهم‌ترین مسایل فعلی جهان عرب پرداخته است. وی معتقد است که شکاف میان فرماندهان و فرمانبران در جهان عرب، بی‌ثباتی اقتصادی، خطر صهیونیسم و سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا به‌عنوان رهبر

نظام سرمایه‌داری جهان در منطقه، در صدر چالش‌های فراروی جهان عرب قرار دارد. به نظر وی، کشورهای عربی برای اینکه از سلطه آمریکا خارج شوند و به توسعه‌ای مطلوب دست یابند باید مبادرت به یک اقدام دوجانبه نمایند بدین ترتیب که در داخل گروه‌های مختلف اجتماعی و حاکمان کشورها به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و انسجامی ملی به وجود آید و سپس دولت‌های مشرق و مغرب عربی به هم‌گرایی نایل آیند و شکاف موجود میان کشورهای عربی، قاره آفریقا و کشورهای عربی قاره آسیا از میان برداشته شود.

آخرین فصل کتاب میزگردی است درباره شخصیت و فرهنگ عصمت سیف‌الدوله که طی آن استادان دانشگاهی و شخصیت‌های فرهنگی عربی به ذکر سجایای اخلاقی عصمت سیف‌الدوله پرداخته‌اند و دستاوردهای علمی فرهنگی وی را ستوده‌اند. با توجه به اینکه دست‌اندرکاران تهیه این کتاب در صدد شناسایی هرچه بیشتر عصمت سیف‌الدوله به خوانندگان بوده‌اند، مجموعه حاصل که به تشریح شخصیت و آثار این اندیشمند پرداخته است، مهم و قابل توجه است.

